

بررسی اولویت‌های نهادی برای رفع موانع کلیدی مشارکت مردم در جهاد اقتصادی

نویسندگان: محسن حبیبی^۱، محسن باقری نصرآبادی^۲

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۱/۲۰

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۶/۱۱/۲۳

فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال بیستم، شماره ۷۴، بهار ۱۳۹۶

چکیده

یکی از مهم‌ترین مسائل کشور، ضعف در کارآمدی اقتصادی است. جهت رفع این مسئله، سیاست‌ها و اسناد بالادستی در راستای کارآمد کردن اقتصاد جهت داده شده است. وجه مشترک این جهت‌گیری‌ها مشارکت دادن بخش عمومی و مردم در عرصه اقتصادی است. با توجه به نظریه معروف «جریان‌های سه‌گانه کینگدون» در خط‌نگاری، برهه کنونی زمان حیاتی برای جهشی معنادار جهت بهره‌گیری از ظرفیت عمومی و توان مردم در عرصه اقتصاد است. گره خوردن مشارکت مردم با جهاد اقتصادی، موانع و مشکلات خاص خود را به همراه داشته و سازوکارهای خاصی نیاز دارد. با استفاده از نظرات نخبگان موانع مشترک بین این دو حوزه در ۱۲ مورد احصا شده است. با توجه به محدودیت‌های مختلف دستگاه‌های حاکمیتی امکان اینکه در کوتاه‌مدت تمام این موانع رسیدگی شده و مرتفع گردد بعید به نظر می‌رسد. بدین منظور این موانع در قالب پرسشنامه در اختیار نخبگان مربوطه قرار گرفته تا میزان اهمیت هر مانع و وضعیت عملکرد دستگاه‌های حاکمیتی در آن مورد سنجیده شود. با استفاده از ماتریس اهمیت-عملکرد در مدل اهمیت-عملکرد، مهم‌ترین موانع مشارکت اقتصادی احصا شده و وضعیت اهمیت-عملکرد در هر مورد مشخص شده است. در نهایت با استناد به مدل سه رکنی نهادی، پیشنهادهایی جهت رفع موانع ارائه شده است.

واژگان کلیدی:

مشارکت مردم، جهاد اقتصادی، جریان‌های سه‌گانه کینگدون، مدل سه‌رکنی نهادی

۱. کارشناسی ارشد معارف اسلامی و مدیریت، پژوهشگر مرکز رشد دانشگاه امام صادق، (نویسنده مسئول)
morteza14313@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری معارف اسلامی و مدیریت (گرایش سیاستگذاری عمومی)، پژوهشگر مرکز رشد دانشگاه امام صادق
mbagherinasr@gmail.com

۱- مقدمه و بیان مسئله

باگذشت بیش از سه دهه از پیروزی انقلاب اسلامی و تثبیت حاکمیت اسلامی، اکنون برهه‌ای است که بیش از هر زمان دیگر اثبات کارآمدی نظام اسلامی لازم و حیاتی است. تثبیت کارآمدی نظام در عرصه‌های مختلف از جمله اقتصاد امیدبخش و تقویت‌کننده استمرار پویایی کشور است. حال آنکه حاکمیت که اعم از دستگاه‌های اجرایی، تقنینی و قضایی است، برخی عرصه‌ها را مورد توجه قرار نداده و یا اینکه ناتوان از پاسخ شایسته به آن بوده است. این مسائل و عرصه‌ها متنوع نیازمند مداخله و رسیدگی جدی و سریع است. به نظر می‌رسد مداخله حاکمیت در این عرصه‌ها بدون دخیل کردن مشارکت عمومی به نتیجه مطلوب نمی‌رسد. چراکه دستگاه‌های اجرایی فاقد توان سرمایه‌ای لازم برای رسیدگی به همه مسائل و مشکلات کشور است.^۱ تجربه سایر کشورها نیز نشان می‌دهد که آن‌ها نیز مسیر دیگری را برای پیشرفت انتخاب کرده‌اند. سامان‌دهی مشارکت مردم و شهروندان از طریق سازوکارهای مختلف، نسخه جدید و قابل‌اتکای برخی کشورهاست. البته مشارکت دادن مردم دغدغه‌های خاصی را برای برخی از مجریان در عرصه حکمرانی ایجاد کرده است (King, et.al, 1998, P317). با این حال به نظر می‌رسد این رویکرد به نحو پایدار پاسخ مناسبی به همه عرصه‌هایی است که بی‌پاسخ‌مانده است. لذا ضروری است که برای حل مسائل مختلفی که کشور با آن مواجه است نگاه مشارکت مردمی مورد توجه و اهتمام قرار گیرد.

یکی از عرصه‌هایی که نیازمند مشارکت جدی مردم است، عرصه اقتصاد است. این عرصه دامنه وسیعی از مسائل را در برمی‌گیرد که اعم از بیکاری، رکود اقتصادی، ضعف در تولید داخل و فرهنگ غلط در مصرف است. این مسائل اقتصادی نیازمند یک گشایش و پاسخ مناسب است که به نظر می‌رسد اکنون در نقطه عطف خود قرار دارد. با نگاهی دقیق‌تر به این موضوع و با استفاده از تجربیات دانش خط‌مشی‌گذاری می‌توان به این رسید که شرایط فعلی در حوزه خط‌مشی اقتصادی، یک فرصت حیاتی برای کارآفرین خط‌مشی^۲ است تا از این ظرفیت ایجادشده بهترین استفاده را برای پاسخی دقیق و سازنده صورت دهد. اهمیت پرداختن به عرصه اقتصاد با نگاه مردم‌بنیاد از این حیث است که اولاً در میان مدت امکان تحقق بسیاری از آرمان‌های بلند و دشوار را محقق می‌کند. در مرحله بعد با توجه به اینکه مردم خود درگیر و متعهد به رسیدگی و پاسخ به بسیاری از مسائل و عرصه‌ها می‌شوند، ضمن افزایش احساس اعتماد به نفس ملی، امکان رقابت با کشورهای جهانی و مقابله با دشمنان و استعمارگران را فراهم

۱. مقام معظم رهبری، ۹۳/۱۱/۲۹



می‌کند^۱. لذا نقش‌آفرینی مردم در عرصه اقتصادی که اولویت و ضرورت فعلی کشور است مسیر را برای این اهداف تسهیل می‌کند.

با توجه به لزوم شتاب‌بخشی برای ایجاد زمینه‌های مشارکت مردم در اقتصاد، در این مقاله به این دو مسئله اصلی پرداخته می‌شود:

۱- موانع کلیدی مشارکت اقتصادی مردم کدام است؟

۲- اولویت‌های نهادی برای رفع موانع مشارکت اقتصادی چیست؟

در ادامه ابتدا به بیان ادبیات نظری مربوط به خط‌مشی‌گذاری عمومی پرداخته می‌شود. طبق یکی از نظریات مطرح در فرآیند خط‌مشی‌گذاری اهمیت توجه نقطه عطف فعلی کشور برای انتخاب خط‌مشی مشارکت اقتصادی تبیین می‌شود. پس از آن به تشریح ادبیات و پیشینه نظری «مشارکت اقتصادی» پرداخته می‌شود. با توجه به جستجوی نویسندگان مقاله، اثر قابل توجهی در مورد موانع مشارکت اقتصادی یا توصیه‌های نهادی برای تحقق آن یافت نشد. البته برخی مصاحبه‌ها با اندیشمندان و پژوهشگران وجود داشته که به آن‌ها پرداخته شده است. لذا به صورت جداگانه مروری بر ادبیات نظری و پیشینه موضوع مشارکت با توجه به آثار چندین پژوهشگر مطرح دنیا انجام شد. ضمن مرور آثار حداقلی موجود در مورد موانع مشارکت عمومی و همچنین موانع جهاد اقتصادی، در نهایت قدر مشترک موانع مشارکت عمومی و جهاد اقتصادی در اختیار نخبگان قرار گرفت تا مورد ارزیابی قرار گیرد. پس از مشخص شدن موانع کلیدی مشارکت اقتصادی، توصیه‌های نهادی برای تحقق مشارکت اقتصادی با توجه به رویکرد سه رکنی اسکات پیشنهاد داده می‌شود.

۲- ادبیات نظری و پیشینه موضوع

۲-۱- تلاقی سه جریان

مبتنی بر نظریه «جریان‌های سه‌گانه کینگدون»، به نظر می‌رسد در حال حاضر سه جریان که زمینه‌ساز خط‌مشی جدید است وجود دارند و این سه جریان شرایط را برای مشارکت اقتصادی مردم مساعد کرده است که عبارت‌اند از:

* جریان مسئله^۲: مجموعه عوامل و شرایطی است که یک مسئله خاص را مورد توجه مردم و مسئولان قرار می‌دهد. این مسائل ممکن است در بردارنده برخی از حوادث یا شرایط مسئله‌زا باشد که مسئله اصلی را در دستور کار حاکمیت قرار می‌دهد (ساباتیه، ۱۳۹۳، ص ۱۴۳). با توجه به اینکه مسائل پیچیده و بعضاً بغرنج اقتصادی کشور در

۱. مقام معظم رهبری، ۹۳/۱۱/۲۹



چارچوب ذهنی مردم و مسئولان شدت یافته است، به عنوان یک مسئله جدی در فضای کشور محسوب می‌شود. در سال‌های گذشته حاکمیت تلاش کرده تا به صورت‌های مختلف پاسخی برای مسائل اقتصادی کشور ارائه دهند. انتظار مردم نیز حل مشکلات اقتصادی است؛ بنابراین اگر بتوان به درستی پاسخ مناسب را ارائه کرد، به تدریج زمینه برای حل آن فراهم می‌شود.

* جریان خط‌مشی^۱: پیشنهادهای خط‌مشی مجموعه‌ای از ایده‌هاست که به وسیله متخصصان یا نخبگان در فضای جامعه مطرح می‌شود. این ایده‌ها ممکن است تا حدی امکان اجرایی داشته باشند. دو معیار مهم برای انتخاب این ایده‌ها، امکان‌پذیری فنی و مقبولیت ارزشی است. این پیشنهادهای باید با ارزش‌های عمومی جامعه و خط‌مشی‌گذاران هم‌سو باشد (ساباتیه، ۱۳۹۳، ص ۱۴۶). در سال‌های اخیر اسناد بالادستی و خط‌مشی‌های ناظر به مشارکت اقتصادی مردم به انحاء مختلف مطرح شده است. به عنوان مثال، سیاست‌های اقتصاد مقاومتی (اصل ۲۰ و ۲۱) و سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی. از سوی دیگری نام‌گذاری‌هایی که از سوی رهبر انقلاب برای سال‌های اخیر به عنوان شعار سال انتخاب شده است حاکی تمایل مسئولان نظام برای وضع خط‌مشی‌های کلان به نحوی است که مشارکت آحاد مردم را در عرصه اقتصادی در برمی‌گیرد.

* جریان سیاست^۲: جریان سیاست حاوی سه عنصر است: مشرب ملی^۳، مبارزات گروه فشار^۴ و جابجایی‌های اداری و قانون‌گذاران. به منظور ایجاد یک جریان خط‌مشی خاص لازم است فضای عمومی مردم کشور و از سویی اقدامات گروه‌های فشار و دستور گذاری قانون‌گذاران به نحوی هم‌سو باشد که روند تحقق آن خط‌مشی را تسهیل کند (ساباتیه، ۱۳۹۳، ص ۱۴۷). در شرایط موجود با توجه به ضعف کارآمدی سیاست‌های اقتصادی حاکمیتی، در فضای عمومی کشور تمایل جدی برای ورود رویکردی نو احساس و مطالبه می‌شود. گروه‌های فشار و قانون‌گذاران نیز هر یک به نوعی به نقد یا بعضاً دفاع از سیاست‌های قبلی می‌پردازند. لذا صحت و سقم سیاست‌های اقتصادی که در دهه‌های قبل آزموده شده مورد تردید و دچار خلل است.

۲-۲- پنجره خط‌مشی مشارکت اقتصادی

زمانی که سه جریان مذکور در یک لحظه به هم برسند، فرصت حیاتی برای اقدامی است

1. policy
2. politic
3. National mood
4. Pressure group



که از عهده کارآفرین خط‌مشی برمی‌آید. در این زمان کارآفرین از گشایش ایجاد شده برای تصویب و تأیید خط‌مشی مورد نظر استفاده می‌کند (ساباتیه، ۱۳۹۳، ص ۱۴۸)؛ بنابراین در شرایط فعلی کشور با توجه به تلاقی این سه جریان زمینه برای تصویب و به کرسی نشاندن مؤلفه‌های قانونی، تنظیمی و نهادی مشارکت اقتصادی مردم فراهم است. هرچند که در اسناد بالادستی و سیاست‌های کلی نظام به این موضوع اشاره شده است. ولی لازم است با استفاده از ابزارهای نهادی و تنظیمی خط‌مشی این آرمان یا سیاست کلی نظام که حضور و مشارکت مردم در عرصه اقتصادی است، در لایه‌ها و ساختارهای دستگاه‌های اجرایی، تقنینی و قضایی گسترانده شده و نهادینه شود. تحولات خط‌مشی در کشور در سه لایه یا رکن نهادی شامل رکن تنظیمی^۱، رکن هنجاری^۲ و رکن شناختی^۳ قابل‌گسترش است (اسکات، ۱۳۷۸، ص ۷۱). این تحول به تدریج روی می‌دهد ولی شروع آن با پنجره خط‌مشی گشوده شده آغاز می‌شود و به تدریج فراگیر می‌شود. همان‌طور که مشخص است برای تحقق خط‌مشی مشارکت اقتصادی در این سه لایه موانع متعددی وجود دارد. این موانع بعضاً در سالیان متمادی در شناخت و فرهنگ مردم رسوب کرده و با ساختارهای حکمرانی کشور عجین شده است. تغییر و تحول این ابعاد به تدریج صورت می‌گیرد. لذا بهتر است با یک اولویت‌بندی منطقی، اهمیت و میزان فعالیت برای رفع این موانع مشخص شود. اینکه تاکنون به کدام مانع پرداخته شده یا سامان‌دهی شده است؛ و اینکه رسیدگی به آن مانع چقدر اولویت دارد؟ این کار به حاکمیت کمک می‌کند تا هم مهم‌ترین موانع موجود بر سر راه این سیاست تنظیم‌شده از سوی نظام را زودتر رصد کند و هم در رفع این موانع به اثربخش‌ترین شکل ممکن هزینه و فعالیت نماید. در نتیجه نهادسازی لازم برای مشارکت مردم به بهترین شکل ممکن صورت می‌پذیرد و این تغییر سیاستی ایجاد می‌شود.

۲-۳- تعریف مشارکت^۴

مشارکت یکی از مباحث مهمی است که در خصوص حدود و ثغور آن پژوهشگران مختلف نگاه‌های مختلفی را مطرح کرده‌اند. با توجه به مقدمه ذکر شده در بالا بازه کنونی نقطه راهبردی و مهم برای احیای مشارکت مردمی در عرصه‌های مختلف و از جمله اقتصاد است؛ اما قبل از هر چیز باید در خصوص معنا و مفهوم مشارکت به تفاهم رسید. هر یک از پژوهشگران این عرصه به‌نوعی به این مبحث پرداخته‌اند. در جدول زیر به خلاصه‌ای

1. regulatory pillar
2. normative pillar
3. cognitive pillar
4. participation



پیشینه نظری و تعاریف اشاره شده است.

جدول ۱- تعاریف مشارکت از نگاه صاحب نظران

صاحب نظر	پیشینه نظری و تعاریف مشارکت
چانگ ^۱ ، ۲۰۱۱	مشارکت شهروندی توزیع قدرتی است که سبب می شود که امکان مشارکت شهروندان محروم از مزایای اقتصادی و اجتماعی در فرآیند اقتصادی و سیاسی ممکن شود و از مزایای جامعه بهره مند شود.
لغو ^۲ ، ۲۰۱۱	توانمندسازی افراد و گروه های به همراه قدرت چانه زنی برای نشان دادن علایق و برنامه ریزی به سمت رسیدن به قدرت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و کنترل.
جین روو فریور ^۳ ، ۲۰۰۵	مشارکت عمومی اقدامی از درگیری و مشارکت چند نفر از عموم مردم در دستور کارگذاری، تصمیم گیری و فعالیت های شکل گیری خط مشی سازمان های و یا نهادها به منظور توسعه خط مشی خود می باشد.
لئو، ۲۰۱۱	هرگونه فعالیتی، توسط فرد یا اجتماعی که خط مشی زندگی جمعی را تحت تأثیر قرار می دهد.
پری و دیگران ^۴ ، ۱۹۹۲	مشارکت عمومی شامل مشارکت در فرآیند شکل گیری و تصویب و اجرای خط مشی های عمومی از طریق اقدامات شهروندی است که هدف آن تأثیرگذاری بر تصمیمات است که در اکثر موارد نمایندگان شهروندان و مأموران رسمی شرکت دارند.
هریسون مورت ^۵ ، ۱۹۹۸	اقدامی محلی که شامل برنامه ریزی گروه های سازماندهی شده در خدمات و گاهی اوقات مدیریت این چنین خدمات است.
شرفی، ۱۳۸۸	مشورت دادن قبل از تصمیم گیری است. به نحوی که اظهار نظر شخصی و اعمال مراقبت در جریان اجرای این تصمیم و تحول نتایج آن امکان داشته باشد.
خداوردی، ۱۳۸۴	مشارکت فرآیندی از مداخله اجتماعی خلاق به وسیله افرادی که به تعیین و برآورده ساختن نیازهای خود علاقه مندند.
رضایی، ۱۳۸۱	مشارکت به عنوان نسبت مداخله عملی به مداخله های مورد نیاز است و مؤثر بر فعالیت های خاص و در سطح معینی از نمایندگی برای گروه تعریف می شود.
طوسی، ۱۳۷۲	مشارکت عبارت است از درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت های گوناگون، به گونه ای که آنان را برمی انگیزد تا برای دستیابی به هدف های گروهی دیگران را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند.
بابایی ردویی، ۱۳۸۸	آبهوف و کوهن بیش از هر چیز به دخالت مردم در فرآیند تصمیم گیری تأکید دارند و معتقدند «مشارکت یعنی شرکت افراد در تصمیم گیری، اجرا، ارزشیابی و تقسیم منافع حاصل از یک پروژه». اهمیت این تعریف به گونه ای است که آن را به عنوان یک تعریف استاندارد نام می برند و امروزه در غالب منابع به آن استناد می کنند.

1. chung
2. liu
3. gene row and frewer
4. parry et al
5. Harrison and mort



صاحب نظر	پیشینه نظری و تعاریف مشارکت
الوانی، ۱۳۸۹	فرآیندی است که از طریق آن نیازها، انتظارات، نظرات و ارزش‌های عمومی در خط‌مشی‌ها، تصمیمات دولتمردان و سیاست‌گذاران انعکاس پیدا می‌کند و به صورت‌های مختلف و به درجات گوناگون امکان وجود دارد.
رستگاری و برخورداری، ۱۳۸۸	مشارکت عبارت است از ایجاد نوعی احساس همبستگی و تعلق و تلاش میان افراد یک جامعه به‌منظور نیل به یک نظام و سیستم عادلانه و متوازن اجتماعی.
رحیمی، ۱۳۸۸	مشارکت به معنای شرکت آگاهانه و ارادی مردم در فرآیند تصمیم‌گیری در سطوح و امور مختلف می‌باشد. به‌طور کلی مشارکت نه تنها همبستگی و یگانگی افراد، گروه‌های اجتماعی و جامعه را تقویت می‌کند، بلکه از دیدگاه توسعه اجتماعی، قابلیت و کارکردهای نظام سیاسی و اجتماعی را نیز افزایش می‌دهد.

همان‌طور که در جدول بالا اشاره شد، ادبیات مشارکت عمومی زوایا و جوانب مختلفی دارد. مفهوم کلیدی مشارکت در لایه نخست انعکاس ارزش‌های عمومی در اداره عمومی است و این انعکاس در لایه دوم یعنی فرآیند خط‌مشی‌گذاری که عبارت است از دستور کارگذاری تعیین خط‌مشی، اجرا و ارزیابی مطرح می‌شود. لایه سوم نیز نشان‌دهنده ابعاد این خط‌مشی‌گذاری است که هر یک دارای مؤلفه‌ها و ویژگی‌های هستند و در تئوری و تعاریف ذکر شده‌اند. همچنین اهداف مشارکت شامل مواردی همچون برآورده ساختن نیازها، رسیدن به زندگی عادلانه، بهبود زندگی اجتماعی اقتصادی و نهایتاً توزیع قدرت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی می‌داند (خان‌محمدی، ۱۳۹۳، ص ۹۳). اشاره به بهبود زندگی اجتماعی و اقتصادی نشان از این است که می‌توان از مشارکت برای بهبود فضای اقتصادی کشور به بهترین شکل استفاده کرد. در مجموع با توجه به تعاریف مطرح‌شده در بحث مشارکت، در یک جمع‌بندی می‌توان گفت که مشارکت مردمی، «همکاری متعهدانه مردم برای انجام و اصلاح امور عمومی، برآورده کردن نیازهای جامعه و تحقق ارزش‌های عمومی» است.

۲-۴- موانع مشارکت عمومی

در خصوص موانع مشارکت اقتصادی به صورت منسجم اثر قابل توجهی وجود نداشت. البته برخی مصاحبه با پژوهشگران در خصوص این موانع وجود دارد. لذا ناچار شدیم موانع مشارکت و موانع جهاد اقتصادی را به صورت جداگانه بشماریم. آن‌هم با مرور مصاحبه‌های اجمالی و آثار حداقلی که در خصوص موانع مربوط به هر یک از این دو حوزه وجود داشت. مشارکت عمومی مردم با موانع و مشکلاتی مواجه است و برای ترویج و نهادینه شدن، نیازمند سازوکارهای خاصی است. ابتدا لازم است گسترده این موانع مشخص شود. در جدول زیر برخی اصلی‌ترین موانع این موضوع احصا شده است که ضمن بیان منابع به



آن‌ها اشاره می‌شود. موارد بیان شده در جدول مروری بر پیشینه‌های مهم نظرات پژوهشگران مختلف در خصوص موانع مشارکت عمومی است.

جدول ۲- موانع تحقق مشارکت عمومی

موانع مشترک (قرشی، ۱۳۹۴)	حس ارزش: افرادی که در فقر یا ناتوانی زندگی می‌کنند، زنان، اقلیت‌های جنسی، افراد رنگین‌پوست یا اقلیت‌های قومی - فرهنگی برای بخش زیادی از زندگی‌شان تحقیر شده، لکه‌دار و به حاشیه کشیده شده‌اند.
اقتصادی: تاکنون فقر نافذترین و فراگیرترین مقوله‌ای است که مردم را از جامعه دور می‌کند. (قرشی، ۱۳۹۴)	زمان: اتخاذ سه شغل برای حمایت از خانواده، مشارکت را تقریباً غیرممکن می‌کند.
مسائل اقتصادی: مسائل اقتصادی مردم مهم‌ترین دلیل برای عدم مشارکت مردم است	مسائل اجتماعی و فرهنگی: مردم از طبقه‌های مختلف در فضاهای مختلف جامعه زندگی می‌کنند و افراد دارای موقعیت پایین‌تر اجتماعی - اقتصادی، امکان کمتری برای مشارکت مدنی دارند.
اقلیت‌های قومی - فرهنگی (قرشی، ۱۳۹۴)	مسائل اجتماعی یا فرهنگی: مردم از پیش‌زمینه‌های فرهنگی مختلف در فضاهای خاص خود در جامعه استفاده می‌کنند.
سن کلیشه‌ها: جوان‌ها پرستیده و افراد بسیار جوان یا بسیار پیر بی‌اعتبار تلقی می‌شوند. (قرشی، ۱۳۹۴)	مشروعیت: جوان‌ها به خاطر ساده بودن شأن و پیرها به خاطر عدم درک زمان معاصر به حاشیه کشیده می‌شوند؛ بنابراین هر دوی این گروه‌های اغلب از بحث‌ها و تصمیم‌گیری‌ها مستثنی می‌شوند.
توانایی: نیازهای مردمی که با ناتوانی زندگی می‌کنند، معمولاً نادیده گرفته می‌شود و این موضوع باعث کنار گذاشته شدن آن‌ها می‌شود. (قرشی، ۱۳۹۴)	دسترسی فیزیکی حمل و نقل
حاکمیت: برخی از مسائل ناشی از قوانین و مقررات حکومتی است.	ارتباطات: بسته به معلولیت فرد، ممکن است برای ارتباط با گروهی از افراد به کمک نیاز داشته باشند.
روابط زندگی روزانه (King, et.al, 1998)	مسائل و مشکلات قضایی مسائل و مشکلات تقنینی
فرایندها و سیستم‌های اجرا (دولتی) (King, et.al, 1998)	گاهی روابط در زندگی روزانه شرایطی را فراهم می‌کند که از مشارکت مردم در سطح اجتماعی جلوگیری می‌نماید.
تکنیک‌های مشارکت (King, et.al, 1998)	سیستم‌ها و فرآیندهای اجرا دولتی عموماً موانعی برای مشارکت عمومی ایجاد می‌کنند.
	تکنیک‌های مشارکت خود جز موانعی برای مشارکت عمومی هستند.



مشارکت در مواردی هزینه‌بر است و نیاز به سرمایه‌گذاری از ناحیه مشارکت‌کننده دارد، به همین دلیل برخی از مردم با وجود علاقه نمی‌توانند مشارکت مادی داشته باشند. نهاد مشارکت‌جو باید امکان مشارکت غیرمادی مردم را نیز پیش‌بینی و فراهم نماید.	محدودیت‌های اقتصادی (خان‌محمدی، ۱۳۹۰)
عدم آگاهی مردم به اهداف طرح و خصوصیات آن، مردم اگر به اهداف کلان نهاد مشارکت‌جو اعتماد و آگاهی نداشته باشند در آن مشارکت نمی‌کنند.	محدودیت‌های اجتماعی و هنجارهای سنتی و فرهنگی (خان‌محمدی، ۱۳۹۰)
بی‌سوادی یا کم‌سوادی مردم.	
رقابت و چشم‌هم‌چشمی که به حسادت و کینه‌توزی منجر شده و افراد را از کار جمعی دور می‌کند.	
عدم اعتماد و احتیاط‌کاری	
نفع طلبی شخصی	
دخالت‌های سیاسی و تحمیل مدیریت دولتی	
پراکندگی امکانات مادی	
بی‌سوادی	موانع عملی (خان‌محمدی، ۱۳۹۰)
برنامه‌ریزی فوق متمرکز	
مکانیسم‌های ناقص عرضه	
فقدان هماهنگی‌های محلی	
نامناسب بودن فناوری پروژه	
بی‌ربط بودن محتوای پروژه	موانع فرهنگی (خان‌محمدی، ۱۳۹۰)
فقدان ساختارهای محلی	
ضعف از ابراز مخالفت	
بیزاری از تملق‌گویی برای افراد غیربومی	موانع ساختاری (خان‌محمدی، ۱۳۹۰)
به‌ویژه روابط حاکم بر تولید و قدرت موانع جدی سر راه مشارکت مردم می‌باشد.	
وجود برنامه‌ریزی‌های متمرکز و دیوان‌سالار در ادارات نیز از جمله موانع بنیادی هستند.	

همان‌طور که ارائه شد موانع مشارکت عمومی متعدد است. پرداختن به همه این موانع به‌سادگی میسر نیست. با توجه به اینکه هدف ما در این مقاله احصا کردن موانع کلیدی



و اصلی در مسیر مشارکت اقتصادی است، لازم است موانع جهاد اقتصادی نیز احصا شود تا وجه مشترک این دو دسته از موانع موردبررسی نهایی قرار گیرد.

۲-۵- موانع تحقق جهاد اقتصادی

ادبیات جهاد اقتصادی یکی از مباحث مهم برای فهم و نیل به اقتصاد پویا و قدرتمند است که به طور خاص در سال‌های اخیر در محافل علمی مورد کنکاش قرار گرفته است. پژوهشگران عرصه مدیریتی و اقتصادی نیز با توجه به شرایط موجود کشور، موانع پیش روی این مهم را شناسایی و در دسته‌بندی‌های مختلف بیان کرده‌اند. در جدول زیر به این موانع که مروری بر پیشینه مهم نظرات در خصوص موانع جهاد اقتصادی است اشاره می‌شود.

پژوهشگران	موانع و چالش‌های پیش روی جهاد اقتصادی
باقری ^۱ (۱۳۹۵)	عدم فهم مفهوم اقتصاد مقاومتی و فقدان تعریف مشخص از ابعاد آن
	فرهنگ شناختی و فرهنگ رفتاری مسئولین
	سبک زندگی مردم
	ظهور منافع غیر ملی و تعارض حاصل از آن
	نظام حکمرانی و سیاسی و سیاستی
امجدی پور ^۲ (۱۳۹۴)	وجود برخی ساختارهای فرهنگی و اجتماعی غلط در جامعه
	کم‌رنگ بودن فرهنگ کار و تلاش و فقدان آموزش‌های لازم به خصوص برای جوانان
	نرخ بالای بیکاری (حدود ۱۲٪) و کمبود شغل در کشور
	کم اثر بودن سهم سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در اقتصاد کشور و عدم توانایی این بخش در رقابت با بخش دولت
	نبود تعاونی‌های کارآمد در حمایت از بخش خصوصی
	عدم وجود سازوکار مناسب در زمینه مشارکت مستقیم مردم در اقتصاد کشور
	نبود فضای مناسب کسب و کار در جامعه
	پایین بودن بهره‌وری در تولید

۱. روایت ۶۱ نفر از صاحب‌نظران از پنج مانع «اقدام و عمل» در اقتصاد مقاومتی (www.tasnimnews.com/.../)
 ۲. چالش‌های پیش روی جهاد اقتصادی (http://www.borhan.ir ۹۴/۱۲/۱۷) - جناب آقای مسعود امجدی پور موانع و چالش‌های پیش روی جهاد اقتصادی را با استفاده از بیانات «رهبر معظم انقلاب» و اظهارات مسئولین و صاحب‌نظران اقتصادی کشور و نیز مصاحبه با اساتیدی همچون جناب آقای «دکتر دانش جعفری»، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی احصا کرده است.



موانع و چالش‌های پیش روی جهاد اقتصادی	پژوهشگران
<p>فشار تحریم‌های خارجی بر دوش اقتصاد کشور</p> <p>برخی جریان‌های سیاسی داخل کشور که سیاست‌های اقتصادی دولت را مانع منافع بی‌حد و حصر خود می‌دانند</p> <p>وجود ساختارهای نامناسب اداری (رانت، فساد و ...)</p> <p>عدم مشخص بودن استراتژی مشخص در روابط اقتصادی بین‌الملل کشور</p> <p>ظهور قدرت‌های جدید اقتصادی مانند «Bric» (برزیل، روسیه، هند و چین) در فضای بین‌الملل</p> <p>قابل پیش‌بینی نبودن متغیرهای اقتصادی در ایران</p> <p>عدم تبیین درست مفاهیمی همچون استقلال اقتصادی، خودکفایی و ...</p> <p>اقتضایی بودن سیاست خارجی ایران</p> <p>وجود مشکلاتی در بنگاه‌های اقتصادی (دانش فنی، ظرفیت و مقیاس پایین تولید، روش‌های تأمین منابع مالی و مدیریت)</p>	<p>امجدی پور (۱۳۹۴)</p>
<p>تفرقه و عدم وحدت کلمه</p> <p>برخورد شعاری</p> <p>موانع فرهنگی</p> <p>سیاسی‌کاری‌ها</p> <p>راهبردهای مغفول مانده در بانکداری</p> <p>نقش سهامدار</p> <p>تعادل منابع و مصارف</p> <p>عدم اجماع در خصوص لزوم وجود مدیریت متخصص</p> <p>فقدان سیاست جامع در خصوص سود بانکی</p> <p>فقدان احکام متناسب با پول اعتباری</p> <p>استفاده از عقود بازار سرمایه در قراردادهای بانکی</p> <p>ضعف توان نظارت بانک مرکزی</p> <p>دخالتهای سازمان‌های غیرمسئول و غیرمتخصص ذینفع در سیاست‌گذاری پولی</p> <p>تغییر محتوای برخی عناوین و مفاهیم در بانکداری</p>	<p>رادمهر (۱۳۹۰)</p>
<p>ضد ارزش دانستن فعالیت‌های اقتصادی</p>	<p>عزیزان (۱۳۹۰)</p>



موانع و چالش‌های پیش روی جهاد اقتصادی	پژوهشگران
بی‌کاری	عزیزان (۱۳۹۰)
مصرف‌گرایی (اسراف)	
انحصار ثروت	
گناه و ناسپاسی	
برگرفته از آیات و روایات (گناه، مزدوری کردن، دلالی در معامله، ستم کردن به کارگر، بخیل بودن، ندادن زکات واجب، ولخرجی، سوگند خوردن در معامله، تبلیغ کالا با قسم، ایجاد، نفرت در معامله، حرام‌خواری، احتکار، عدم توجه به نیاز دیگران، خیانت‌دramانت، دنیاطلبی، تبلیغ دروغ از کالا، تجارت دین، نقش بدهکاری در اخلاق، وام گرفتن، تعلل در پرداخت بدهی، ربا، رشوه، نیاز خواهی از مردم، اسراف و زیاده‌روی، دزدی، طمع، ستمگری دغل کاری، فروش اجناس معیوب، غصب اموال دیگران، سرکشی در توانگری، تنبلی)	کوششی و همکاران (۱۳۹۰)

۲-۷- موانع مشارکت عمومی برای جهاد اقتصادی

همان‌طور که بیان شد موانع مشارکت اقتصادی، موانعی است که هم‌جز موانع مشارکت عمومی مردم محسوب می‌شود و هم‌جز موانع جهاد اقتصادی. به عبارت دیگر با اشتراک موانع مربوط به این دودسته موضوع، موانع اصلی مشارکت اقتصادی احصای می‌شود. جدول زیر موانع پیش روی مشارکت عمومی برای جهاد اقتصادی را نشان می‌دهد.

جدول ۴- موانع پیش روی مشارکت مردمی برای جهاد اقتصادی

موانع مشارکت عمومی در حوزه اقتصاد	موانع جهاد اقتصادی	موانع مشارکت عمومی
وجود برخی ساختارهای فرهنگی و اجتماعی غلط در جامعه.	وجود برخی ساختارهای فرهنگی و اجتماعی غلط در جامعه.	مسائل اجتماعی یا فرهنگی
کم‌رنگ بودن فرهنگ کار و تلاش.	کم‌رنگ بودن فرهنگ کار و تلاش.	
نبود فضای مناسب کسب‌وکار در جامعه	نبود فضای مناسب کسب‌وکار در جامعه	
موانع فرهنگی	موانع فرهنگی	
فقدان آموزش‌های لازم به‌خصوص برای جوانان	فقدان آموزش‌های لازم به‌خصوص برای جوانان	عدم وجود زمینه‌ها و بسترهای دولتی
نبود تعاونی‌های کارآمد در حمایت از بخش خصوصی	نبود تعاونی‌های کارآمد در حمایت از بخش خصوصی	
عدم وجود سازوکار مناسب در زمینه مشارکت مستقیم مردم در اقتصاد کشور	عدم وجود سازوکار مناسب در زمینه مشارکت مستقیم مردم در اقتصاد کشور	
ضعف‌های پولی و بانکی کشور (اعم از سیاست‌های نابجای پولی و نظارت‌های غلط بر سیستم بانکداری و...)	ضعف‌های پولی و بانکی کشور (اعم از سیاست‌های نابجای پولی و نظارت‌های غلط بر سیستم بانکداری و...)	



موانع مشارکت عمومی	موانع جهاد اقتصادی	موانع مشارکت عمومی در حوزه اقتصاد
عدم وجود زمینه‌ها و بسترهای دولتی	نبود فضای مناسب کسب و کار در جامعه	نبود فضای مناسب کسب و کار در جامعه
فرایندها و سیستم‌های اجرا دولتی	وجود ساختارهای نامناسب اداری (رانت، فساد و ...)	وجود ساختارهای نامناسب اداری (رانت، فساد و ...)
نفع طلبی شخصی	برخی جریان‌های سیاسی داخل کشور که سیاست‌های اقتصادی دولت را مانع منافع بی‌حد و حصر خود می‌دانند.	برخی جریان‌های سیاسی داخل کشور که سیاست‌های اقتصادی دولت را مانع منافع بی‌حد و حصر خود می‌دانند.
دخالت‌های سیاسی و تحمیل مدیریت دولتی	سیاسی کاری‌ها	سیاسی کاری‌ها
ناآگاهی مردم	عدم تبیین درست مفاهیمی همچون استقلال اقتصادی، خودکفایی و ...	عدم تبیین درست مفاهیمی همچون استقلال اقتصادی، خودکفایی و ...
فقدان ساختارهای محلی	فقدان آموزش‌های لازم به‌خصوص برای جوانان عدم وجود سازوکار مناسب در زمینه مشارکت مستقیم مردم در اقتصاد کشور	فقدان آموزش‌های لازم به‌خصوص برای جوانان عدم وجود سازوکار مناسب در زمینه مشارکت مستقیم مردم در اقتصاد کشور

همان‌گونه که در جدول بالا ملاحظه نمودید موانع مشارکت عمومی در جهاد اقتصادی شامل موانع مشترک هر دو حوزه است که در ستون سوم ذکر شده است. برخی موانع تکراری در ادامه جدول بیان نشده است. از اشتراک و جمع‌بندی این موانع، ۱۲ مانع اصلی مربوط به مشارکت اقتصادی احصا شده است. لازم به ذکر است تنها موانع مشترک بین این دو حوزه اشاره می‌شود و این به معنای بی‌اهمیت بودن سایر موانع نیست. این موانع به علت اینکه وجه مشترک دو حوزه مورد نظر است، در اولویت رسیدگی و بررسی قرار می‌گیرد.

۱. وجود برخی ساختارهای فرهنگی و اجتماعی ناکارآمد در جامعه (مثلاً طولانی بودن نظام آموزشی)
۲. کم‌رنگ بودن فرهنگ کار و تلاش
۳. ناکارآمدی فضای کسب و کار در جامعه
۴. فرهنگ عمومی جامعه (ناظر به سبک زندگی و الگوهای مصرف)
۵. کمبود آموزش‌های لازم و مناسب به‌خصوص برای جوانان
۶. کمبود تعاونی‌های کارآمد در حمایت از بخش خصوصی



۷. ضعف سازوکارهای نهادی و تنظیمی در زمینه مشارکت مستقیم مردم در اقتصاد کشور
۸. ضعف نهادها و نظام پولی و بانکی کشور (اعم از سیاست‌های نابجای پولی و نظارت‌های غلط بر سیستم بانکداری و...)
۹. وجود ساختارهای پیچیده و بوروکراتیک اداری (رانت، فساد و ...)
۱۰. برخی جریان‌های سیاسی داخل کشور که سیاست‌های اقتصادی حاکمیت را مانع منافع بی‌حد و حصر خود می‌دانند
۱۱. سیاسی‌کاری و منفعت‌طلبی برخی از مسئولین و مدیران
۱۲. عدم تبیین درست مفاهیم مشارکت عمومی در اقتصاد کشور (چه برای مردم چه برای مسئولین)

مواعی که در سطوح بالا به‌عنوان موانع مشارکت عمومی مردمی در جهاد اقتصادی به آن‌ها اشاره شد همان مؤلفه‌هایی است که در پرسشنامه‌های این پژوهش بکار گرفته شده است. در ادامه به فرآیند و روش پژوهش این مقاله اشاره می‌شود.

۳- روش‌شناسی

روش پژوهش در این مقاله روش اهمیت-عملکرد^۱ می‌باشد. اهمیت فزاینده این مدل در آسیب‌شناسی و مشخص نمودن نقاط قوت و ضعف سیستم و کارایی آن در شناخت اولویت‌ها و راهبردهای بهبود است (محمدهادی، ۱۳۹۰، ص ۳۶). این روش از جمله تکنیک‌های تصمیم‌گیری و مدیریت فرآیندها می‌باشد که شکل گرافیکی و قابل فهم از بررسی داده‌ها ارائه می‌دهد. این امر تجزیه جنبه‌های مختلف سطوح عملکرد و اهمیت عوامل را تسهیل می‌سازد (کرامت پناه، ۱۳۹۲، ص ۸۲).

مدل اهمیت-عملکرد به لحاظ مفهومی یک مدل چند شاخصه است. به منظور کاربرد این مدل می‌بایست شاخص‌هایی که قرار است تحلیل شوند مشخص گردند (فتحی و اجارگاہ، ۱۳۹۰، ص ۵۸). مؤلفه‌ها یا شاخص‌ها از طریق مصاحبه با دریافت‌کنندگان خدمت، مطالعه ادبیات علمی و کسب نظر از خبرگان و گروه‌های کانونی، احصاء می‌شوند (محمدهادی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۳۷).

در مدل اهمیت-عملکرد هر مؤلفه از دو بعد اهمیت و عملکرد موردسنجش قرار می‌گیرد. به‌زعم بارسکی، درجه اهمیت پایین‌تر، احتمالاً نشان‌دهنده نقش کمتر شاخص در کیفیت است. درحالی‌که درجه اهمیت بالاتر، نمایانگر نقش حساس و مهم آن شاخص در تعیین رضایت مشتری است (محمدهادی و همکاران، ۱۳۹۰،

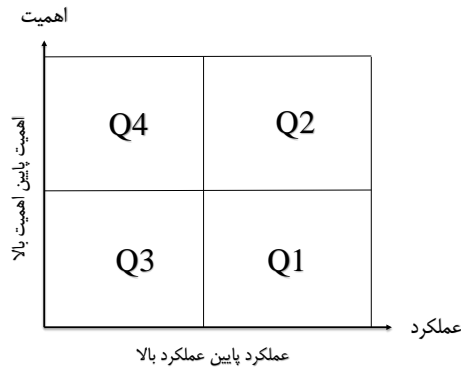
۱. معروف به IPA است.



ص ۳۷). داده‌های مربوط به میزان اهمیت و سطح عملکرد هر یک از آن‌ها با استفاده از پرسشنامه جمع‌آوری می‌شود. برای این منظور از مخاطبین در مورد هر شاخص، دو سؤال پرسیده می‌شود؛ میزان اهمیت شاخص موردنظر و سطح عملکرد در آن شاخص (فتحی و اجارگاہ، ۱۳۹۰، ص ۵۹). داده‌های مربوط به سطح اهمیت و سطح عملکرد شاخص‌ها، بر روی یک ماتریس که در آن، محور y نشانگر بعد اهمیت و محور x نشانگر بعد عملکرد است، نمایش داده می‌شوند. به منظور ترسیم ماتریس اهمیت-عملکرد هر یک از محورها به دو نیمه تقسیم می‌شوند. مرکز تقاطع دو نیمه در مرکز داده‌ها قرار دارد. لذا برای تعیین نقطه تقاطع از میانگین یا میانه استفاده می‌شود و بجای سطح مطلق، سطح نسبی میزان اهمیت و عملکرد شاخص‌ها، تعیین می‌شود. به عبارت دیگر از میانگین داده‌های مربوط به سطح عملکرد و میانگین داده‌های مربوط به درجه اهمیت هر یک از شاخص‌ها، برای تعیین مختصات هر شاخص و نمایش آن در ماتریس استفاده می‌شود.

به این ترتیب با جفت شدن دو مجموعه مقادیر اهمیت و عملکرد، هر یک از شاخص‌ها در یکی از چهار ربع ماتریس قرار می‌گیرند. در ربع اول ($Q1$)، اهمیت شاخص‌ها بالا لیکن عملکرد آن‌ها پایین است. این ربع نشان‌دهنده آن است که شاخص‌های واقع شده در این ناحیه، نیازمند به اقدام اصلاحی فوری بوده و از این لحاظ در اولویت بالایی قرار دارند. ربع دوم ($Q2$)، نشان‌دهنده عملکرد و اهمیت بالاست و بیانگر آن است که شاخص‌های موجود در این ناحیه در وضعیت نسبتاً مطلوب بوده و با این وضعیت تداوم یابد. در ربع سوم ($Q3$) اهمیت عملکرد هر دو پایین است لیکن این شاخص‌ها برای عملکرد سیستم تهدیدکننده نبوده و نیازمند به اصلاح فوری نیستند. نهایتاً ربع چهارم ($Q4$) نشان‌دهنده اهمیت پایین و عملکرد بالاست که بیانگر نقطه قوت غیر مهم است و احتمالاً تلاش‌ها و منابع صرف شده در اینجا بهتر است در جای دیگر تمرکز یابد. در ربع دوم و سوم در صورتی که سطح عملکرد شاخص از درجه اهمیت آن به طور معنی‌داری پایین‌تر باشد انجام اقدام اصلاحی در اولویت قرار ندارد. لیکن لازم است هرگاه مختصات یکی از شاخص‌ها دقیقاً بر روی یکی از خطوط ربعی قرار گیرد استفاده از حاصل تفریق عملکرد از اهمیت برای اتخاذ راهبرد مناسب ضروری خواهد بود (محمدهادی و همکاران، ۱۳۹۰، صص ۳۷-۳۹).





نگاره شماره ۱- ماتریس اهمیت- عملکرد

برای احصا کردن اولویت‌ها یا موانع کلیدی در خصوص مشارکت اقتصادی، پرسشنامه‌ای که شامل ۱۲ مانع ذکر شده در قسمت قبل است، در اختیار ۱۸ نفر از نخبگان علمی و اجرایی قرار گرفت. این افراد در حوزه‌های مدیریت، مشارکت عمومی و اقتصاد مقاومتی صاحب‌نظر یا متخصص هستند. مشخصات دقیق‌تر این افراد در قالب جدول زیر آمده است.

جدول شماره ۵- مشخصات کلی نخبگان در این موضوع

کار آفرین و جهادگر	کارشناسی ارشد	دانشجوی دکتری	استاد دانشگاه
۱ نفر	۵ نفر	۴ نفر	۸ نفر

۴- تحلیل یافته‌های مقاله

پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها و تحلیل داده‌ها طبق روش بیان شده در قسمت قبل، آمار کلی آن‌ها در قالب ماتریس زیر نهایی شد. جایگاه و مختصات هر آسیب در ماتریس اهمیت-عملکرد نیز مشخص شده است. برای اینکه مختصات نقاط به دست آمده بر روی نمودار قابل ترسیم باشد، با استفاده از نرم‌افزار، تغییر مبدأ از نقاط میانگین به نقطه (۰، ۰) صورت گرفت. البته در کل نتیجه داده‌ها تغییری حاصل نشده است. نتایج در قالب جدول و نمودار زیر نمایش داده شده است.

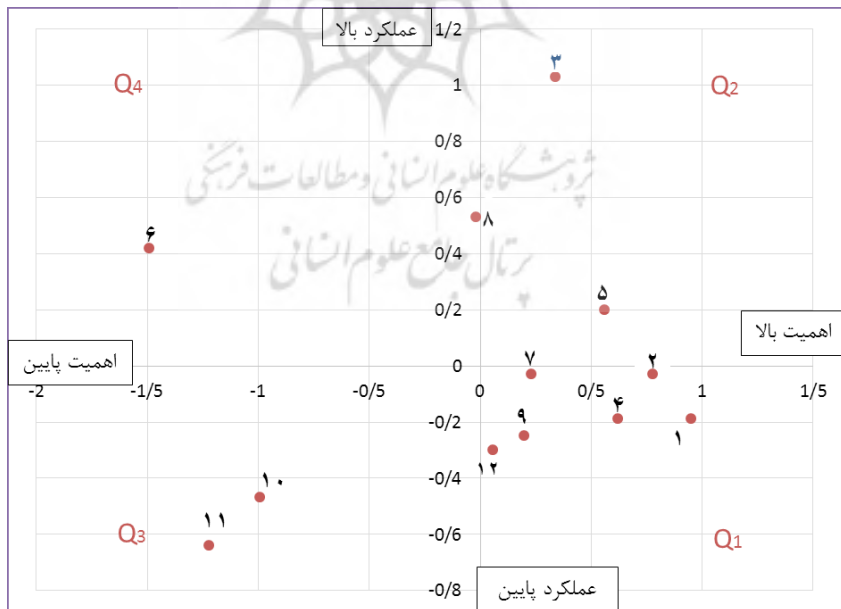
جدول شماره ۶- مختصات اهمیت و عملکرد مربوط به هر یک از موانع

موانع	اهمیت	عملکرد	اهمیت	عملکرد
	(با تغییر مبدأ)	(با تغییر مبدأ)	(با تغییر مبدأ)	(با تغییر مبدأ)
۱. ناکارآمدی ساخت‌های فرهنگی و اجتماعی	۸.۰۵	۲.۶۱	۰.۹۵	-۰.۱۹
۲. کم‌رنگ بودن فرهنگ کار و تلاش	۷.۸۸	۲.۷۷	۰.۷۸	-۰.۰۳



موانع	اهمیت	عملکرد	اهمیت	عملکرد
۳. ناکارآمدی فضای کسب و کار	۰.۳۴	۳.۸۳	۷.۴۴	۱.۰۳
۴. فرهنگ عمومی جامعه	۰.۶۲	۲.۶۱	۷.۷۲	-۰.۱۹
۵. کمبود آموزش‌ها به جوانان	۰.۵۶	۳	۷.۶۶	۰.۲
۶. کمبود تعاونی‌های کارآمد	-۱.۴۹	۳.۲۲	۵.۶۱	۰.۴۲
۷. ضعف سازوکارهای نهادی و تنظیمی	۰.۲۳	۲.۷۷	۷.۳۳	-۰.۰۳
۸. ضعف نهادها و نظام پولی و بانکی	-۰.۰۲	۳.۳۳	۷.۰۸	۰.۵۳
۹. وجود ساختارهای پیچیده و بوروکراتیک اداری	۰.۲	۲.۵۵	۷.۳	-۰.۲۵
۱۰. نفع طلبی برخی جریان‌های سیاسی	-۰.۹۹	۲.۳۳	۶.۱۱	-۰.۴۷
۱۱. سیاسی کاری مسئولین	-۱.۲۲	۲.۱۶	۵.۸۸	-۰.۶۴
۱۲. عدم تبیین درست مفهوم مشارکت اقتصادی	۰.۰۶	۲.۵	۷.۱۶	-۰.۳
میانگین کل		۲.۸	۷.۱	

در ادامه در نگاره زیر جایگاه و مختصات هر موانع نمایش داده شده است. هر مانع در یکی از چهار ربع اهمیت-عملکرد قرار گرفته است. لذا می‌توان موانعی را که نیازمند اقدامات خاص هستند شناسایی کرد.



نگاره شماره ۲- ماتریس اهمیت-عملکرد با توجه به مختصات مستخرج از هر یک از موانع



ربع اول (Q1) - اهمیت بالا و عملکرد پایین: این ربع حساس ترین مسائل را نشان می دهد چرا که این مسائل هم اهمیت بالایی دارند و هم نسبت به بقیه دارای عملکرد پایین تری بوده اند در این ربع موانع شماره ۱، ۲، ۴، ۷، ۹، ۱۲ واقع شده است. که به ترتیب شامل موارد زیر می باشد.

- ناکارآمدی ساخت های فرهنگی و اجتماعی
- کم رنگ بودن فرهنگ کار و تلاش
- فرهنگ عمومی جامعه
- ضعف ساز و کار های نهادی و تنظیمی
- وجود ساختار های پیچیده و بوروکراتیک اداری
- عدم تبیین درست مفهوم مشارکت اقتصادی

این موانع نیازمند اقدامات اصلاحی فوری است و مسئولان و متصدیان باید عمده همت خود را برای رفع این موانع جهت مشارکت اقتصادی معطوف کنند؛ زیرا از اهمیت بالایی برخوردار است ولی عملکرد مناسبی در خصوص آنها انجام نشده است از این رواز دید خبرگان این مسائل نیازمند اقدامات فوری خواهد بود.

از سوی دیگر کثرت موانع و مشکلات در این ربع نشان از اول وجود یک مسئله جدی و دوم درست بودن پژوهش دارد چرا که اگر تعداد موانع در این بخش کم بود نشان از این بود که یا این مسئله، مسئله مهمی نیست و یا پژوهش به درستی انجام نگرفته است. لذا این نکته می تواند بر اهمیت این ربع بیفزاید

ربع دوم (Q2) - اهمیت بالا و عملکرد بالا: در این ربع موانع شماره ۳ و ۵ یعنی کمبود آموزش ها به جوانان و ناکارآمدی فضای کسب و کار واقع شده است. این ربع بیان کنند مشکلات مهمی است که فعالیت های خوبی برای اصلاح آنها صورت گرفته است این مشکلات که در این ربع قرار دارند مشکلاتی هستند که از قبل شناسایی شده اند لذا اقداماتی نیز در جهت رفع این مشکلات برداشته است. استراتژی این ربع تداوم این اقدامات تا رفع این مشکلات است. البته در خصوص این موانع که مربوط به فضای کسب و کار و آموزش هایی برای جوانان است، نیازمند اقدامات بلندمدت است و به سرعت نتیجه آن مشخص نمی شود. لذا این مسیر و حجم فعالیت ها باید ادامه یابد.

ربع سوم (Q3) - اهمیت پایین و عملکرد پایین: در این ربع موانع شماره ۱۰ و ۱۱ واقع شده است. که شامل موارد زیر می باشد

- نفع طلبی برخی جریان های سیاسی
- سیاسی کاری مسئولین



این موانع به نسبت اهمیت پایین تری دارد و البته عملکرد و اقدامات انجام شده برای رفع این موانع نیز ضعیف است. اهمیت پایین این مسئله نشان تأثیرگذاری کم آن بر مسئله دارد لذا برای اولویت‌بندی منابع باید گفت که نیازمند اقدام سریع نیست ولی از مسائل اجتماعی فراتر از مسائل دیگر می‌باشد لذا باید برای آن به مرور برنامه‌ریزی صورت بگیرد تا این مشکل نیز برطرف گردد.

ربع چهارم (Q4) - اهمیت پایین و عملکرد بالا: در این ربع موانع شماره ۶ و ۸ واقع شده است. که شامل موارد زیر می‌باشند

- ضعف نهادها و نظام پولی و بانکی
- کمبود تعاونی‌های کارآمد

در خصوص این موانع اهمیت آن‌ها به نسبت سایرین زیاد نیست و البته اقدامات زیادی برای اصلاح آن‌ها صورت گرفته است. لذا از نسبت میان دو متغیر اهمیت و عملکرد نتیجه گرفته می‌شود که دولت باید از حجم فعالیت‌های خود در این عرصه کاسته و منابع خود را برای رفع مشکل ربع اول متمرکز نماید. البته این گفته بدین معنا نیست که کلیه اقدامات در خصوص، این موانع قطع گردد و کاری در این خصوص صورت نگیرد. بلکه باید با توجه به اقتضانات، از حجم برخی فعالیت‌ها و صرف منابع در این خصوص کاسته و به سرمایه‌گذاری در سایر موارد ضروری و فوری از جمله موارد موجود در ربع اول پرداخته شود.

۵- بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

آنچه به عنوان جنبه نوآوری این مقاله دارای اهمیت است، تمرکز آن به موانع مربوط به مشارکت اقتصادی است. هدفی که در پیشینه نظری مربوط به این موضوع با این نقطه اثر و تمرکز به آن پرداخته نشده است. با استفاده از مجموع نظراتی که در خصوص موانع مشارکت مردم و موانع جهاد اقتصادی جمع‌آوری شد، برآیندی در خصوص موانع مشارکت اقتصادی به دست آمده است. با توجه به نظریه جریان‌های سه‌گانه کینگدون، برهه کنونی نقطه عطف بسیار مهم برای تغییرات نهادی و تنظیمی به سوی تحقق مشارکت مردمی در اقتصاد کشور است. به تعبیری الزامات سیاسی و بایسته‌های خط‌مشی آن در کنار مسئله ناکارآمدی اقتصادی قرار گرفته و آمادگی کارآفرینی در این خط‌مشی ملی فراهم است؛ اما در این مسیر موانعی وجود دارد. بر اساس ماتریس اهمیت-عملکرد، در هر یک از ربع‌ها موانع خاصی قرار دارد که اولویت آن‌ها ارائه شد. البته لازم به یادآوری است که اولویت‌های ذکر شده نسبی هستند و می‌توان بنا بر شرایط و با توجه به الزامات خاص



دیگر، اولویت‌ها را تغییر داد. آنچه به عنوان توصیه در هر ربع بیان شده، به تنهایی قابل اتکا نیست و بهتر است سایر شرایط و الزامات در نظر گرفته شود این روش، اهمیت- عملکرد موانع را به نسبت همدیگر سنجیده و اولویت‌بندی کرده است. نه اینکه از میزان اهتمام به یک موضوع یا یک مانع بکاهد.

موانعی کلیدی در بحث مشارکت اقتصادی که از یافته‌های این تحقیق مستخرج شده است، دارای نقاط اشتراک با موانع مشارکت یا موانع جهاد اقتصادی است؛ جنبه نوآوری این کار به اولویت‌بندی موانع آن‌هم در عرصه مشارکت اقتصادی نیز برمی‌گردد که شامل موارد زیر است:

- ناکارآمدی ساخت‌های فرهنگی و اجتماعی
- کم‌رنگ بودن فرهنگ کار و تلاش
- ضعف ساز و کارهای نهادی و تنظیمی
- فرهنگ عمومی جامعه
- وجود ساختارهای پیچیده و بوروکراتیک اداری
- عدم تبیین درست مفهوم مشارکت اقتصادی

به‌عنوان راهبرد عملی و کاربردی برای دستگاه‌های حاکمیتی استفاده از مدل‌های تغییر نهادی است. همان‌طور که در ابتدای این مقاله در عنوان پنجره خط‌مشی بحث شد، تحولات خط‌مشی در عرصه‌های مختلف از جمله مشارکت اقتصادی با رعایت سه رکن نهادی امکان‌پذیر می‌شود. این سه رکن شامل ارکان تنظیمی، هنجاری و شناختی است و پیوستاری را شکل می‌دهد که از مسائل خودآگاه تا ناخودآگاه و از مواردی که به‌طور قانونی اعمال می‌شوند تا موارد بدیهی را در برمی‌گیرد.



نگاره شماره ۳- سه رکن شناختی، هنجاری و تنظیمی در مدل نهادی (اسکات، ۱۳۷۸، ص ۷۱)

در سه سطح پیشنهادی راهبردی منطبق با رویکرد نهادی برای ارتقا و بهبود مشارکت عمومی در عرصه اقتصاد ارائه می‌شود.



۱. **رکن شناختی:** برای تغییر نهادی در مشارکت اقتصادی ایجاد تغییر در ذهنیت‌ها برای فهم ادبیات این موضوع بدیهی است. بدون تبیین چستی و ضرورت این مفهوم و گفت‌وگو برای مدیران، مردم و نخبگان نمی‌توان به سراغ اقدام و عمل رفت. تغییر در چارچوب شناختی و ذهنی به تدریج و در طول زمان به‌طور مستمر ایجاد می‌شود و نیازمند گفت‌وگو و مشارکت است؛ یعنی فضای گفت‌وگو در جامعه طوری با این خط‌مشی مأنوس باشد که در مورد آن تردیدی باقی نماند. تغییرات شناختی از طریق رسانه‌ها و با کمک نخبگان ایجاد می‌شود. ایجاد آموزش‌های خاص به جوانان، استفاده از ظرفیت صاحب‌نظران برای تبیین ماهیت این موضوع، ترویج سبک زندگی در جهت نوآوری‌های اجتماعی و اشاعه فرهنگ کسب‌وکار در این راستا قرار دارد.

۲. **رکن هنجاری:** تغییرات نهادی در زمینه‌های هنجارها زمانی رخ می‌دهند که شناخت اولیه نسبت به یک موضوع شکل گرفته باشد. با تثبیت لایه شناختی در موضوع مشارکت اقتصادی به‌مرور ابعاد و سازوکارهای خاص آن به هنجار تبدیل می‌شود. با ایجاد هنجارهای خاص این خط‌مشی به‌صورت نهادی افراد جامعه ملزم به رعایت آن خواهند بود. به طوری که تخطی از هنجارهای مشارکت عمومی در اقتصاد نامطلوب شمرده خواهند شد. هنجارها زمینه اقدامات عملی برای تحقق مشارکت اقتصادی را فراهم می‌کنند.

۳. **رکن تنظیمی:** این رکن لایه سخت‌افزاری برای نهادینه کردن خط‌مشی مشارکت اقتصادی محسوب می‌شود. دو رکن پیشین لایه نرم‌افزاری برای نهادسازی به حساب می‌آید و زمینه‌ساز رکن تنظیمی است. این رکن ناظر به ایجاد اسناد بالادستی و خط‌مشی‌های کلان، قوانین و مقررات اجرایی و نهادهای فیزیکی است. این لایه امکان تخطی از خط‌مشی موردنظر را غیرممکن می‌کند. به‌عنوان مثال ایجاد زیرساخت‌های بانکی و مالی، سازوکارهای تعاونی و سیاست‌های اصل ۴۴ اقتصادی از جمله قواعدی است که می‌تواند برای مشارکت اقتصادی تسهیلگر محسوب شود.

در مجموع با توجه به اینکه ماتریس اهمیت-عملکرد موانع کلیدی اصلی را در زمینه مسئله موردنظر مشخص نمود، مدل نهادی، الزامات و مسیر اقدام برای رفع این مسئله را پیشنهاد می‌دهد. در هر یک از موانع با توجه به اولویتی که وجود دارد، اهتمام به ابعاد شناختی، هنجاری و تنظیمی آن مؤلفه زمینه‌ساز تحول در عرصه مشارکت عمومی اقتصادی است. این ارکان لزوماً اولویت زمانی نسبت به یکدیگر ندارند. بلکه حتی بهتر است هم‌زمان با یک تغییر شناختی، تغییرات هنجاری و تنظیمی نیز صورت بگیرد تا مکمل و مقوم یکدیگر باشند. به‌عنوان مثال در خصوص مانع «ناکارآمدی ساخت‌های فرهنگی و هنجاری»، هم در رکن شناختی تنویر افکار عمومی با استفاده از رسانه‌ها و



آموزش لازم است. هم کارآمد کردن این هنجارها و هم ایجاد قوانین و مقرراتی که مقوم ساخت‌های فرهنگی کارآمد و متعالی است ضرورت دارد.

۶- منابع

۱. اسکات، ریچارد (۱۳۷۸)، نهادها و سازمان‌ها، ترجمه مینا دده‌بیگی، تهران، سمت
۲. الوانی، سید مهدی (۱۳۸۱)، «راهکارهای مشارکت عامه مردم در خط‌مشی‌گذاری عمومی»، مجتمعه آموزش عالی قم، شماره ۱۳
۳. امجدی‌پور، مسعود (۹۴/۱۲/۱۷) مصاحبه در خصوص چالش‌های پیش‌روی جهاد اقتصادی، (<http://www.borhan.ir>)
۴. بابایی ردویی، مهران (۱۳۸۸)، نظام جامع مشارکت در کمیته امداد امام خمینی (ره)، مجموعه مقالات همایش ملی توسعه مشارکت‌های مردمی، تهران، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام
۵. خان‌محمدی، هادی (۱۳۹۳)، الگوی مشارکت شهروندی در مدیریت دولتی مبتنی بر تعالیم نهج‌البلاغه، رساله مقطع دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران
۶. خداوردی، علی (۱۳۸۴)، مشارکت عمومی و همبستگی ملی، تهران، سازمان عقیدتی سیاسی ناجا- معاونت سیاسی
۷. رادمهر، احسن اله (۱۳۹۰)، جهاد اقتصادی و بسترهای تحقق آن، تهران، مؤسسه علم گستران علامه، چاپ اول
۸. رحیمی، عبدالرحیم (۱۳۸۸)، نقش مشارکت مردم در محرومیت‌زدایی از جامعه. مجموعه مقالات همایش ملی توسعه مشارکت‌های مردمی، تهران، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام
۹. رستگاری، ابوالقاسم؛ بر خورداری، علی (۱۳۸۸)، بررسی راهکارهای توسعه مشارکت‌های مردمی کمیته امداد امام خمینی (ره). مجموعه مقالات همایش ملی توسعه مشارکت‌های مردمی، تهران، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام
۱۰. رضایی، محمد، (۱۳۸۱)، قلمرو امر اجتماعی و تأثیر آن بر روابط دولت و مردم، دولت، مردم و همگرایی؛ منتخب مجموعه مقالات هشتمین گردهمایی دولت و مشارکت مردمی به مناسبت هفته دولت. تهران، نشر آن.
۱۱. ساباتیه، پل ای. (۱۳۹۳)، نظریه‌های فرآیند خط‌مشی عمومی، ترجمه حسن دانایی‌فرد، تهران، انتشارات صفار
۱۲. سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، ابلاغی مقام معظم رهبری، مجمع تشخیص مصلحت نظام
۱۳. شرفی، امید (۱۳۸۸)، مشارکت مردمی، فقرزدایی و توسعه. مجموعه مقالات همایش



- ملی توسعه مشارکت‌های مردمی. تهران، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام
۱۴. طوسی، محمدعلی (۱۳۷۲)، مشارکت (در مدیریت و مالکیت)، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی.
۱۵. عزیزان، مهدی (۱۳۹۰)، جهاد اقتصادی الزامات، عوامل و موانع، قم، زمزم هدایت
۱۶. فتحی واجارگاه، کوروش؛ پرداختچی، محمدحسن؛ ابوالقاسمی، محمود؛ محمدهادی، فریبرز (۱۳۹۰). «تضمین کیفیت در آموزش بر مبنای مدل تحلیل اهمیت- عملکرد»، فصلنامه راهبردهای آموزش، دوره ۴، شماره ۲، صص ۶۵-۵۷
۱۷. قرشی، سیدمهدی (۱۳۹۳). مشارکت عمومی نظارت همگانی، شهرداری تهران. چاپ اول
۱۸. کرامت پناه، محسن؛ حجامی، محمود؛ فتح آبادی، حسین (۱۳۹۲). «طراحی مدل استراتژیک ارزیابی عملکرد رویکرد تلفیقی تحلیل اهمیت- عملکرد دیمتل و تحلیل رگرسیون چندگانه»، پژوهش‌های مدیریت منابع سازمانی، دوره ۳، شماره ۲، صص ۶۶-۸۹
۱۹. کوششی، سید حسین و همکاران (۱۳۹۰)، جهاد اقتصادی. قم، یوسف زهرا
۲۰. محمدهادی، فریبرز؛ فتحی واجارگاه، کوروش؛ پرداختچی، محمدحسن؛ ابوالقاسمی، محمود (۱۳۹۰)، «تحلیل رضایتمندی فراگیران از دوره‌های آموزش ضمن خدمت بر مبنای مدل تحلیل اهمیت- عملکرد»، دو فصل نامه مدیریت و برنامه‌ریزی در نظام آموزشی، دوره ۴، شماره ۶

۶-۱- منابع لاتین

1. Chung, So Yoon. (2011). **Fostering Citizen Participation Though Innovative Mechanisms In Governance, Policy, And Decision Making: Comparing Washington, DC And Seoul**. A Dissertation Presented in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree Doctor of Philosophy, Arizona state university.
2. Harrison, S. and Mort, M. (1998). **Which champions, which people?** Public and user involvement in health care as a technology of legitimation, *Social Policy and Administration*, 30, 12-22
3. King, Cheryl Simrell; Feltey, Kathryn M.; Susel, Bridget O'Neill (1998): **The question of participation: Toward authentic public participation in public administration**. In *Public Administration Review*, pp. 317-326.
4. Liu, Hong-Cheng. (2011). **organizational accountability in emergency management: examining typhoon morakot from citizens perspective**. A Dissertation Submitted in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree Doctor of Public Administration, College of Business and Public Management Department of Public and Health Administration.



5. Parry, G., Moyser, G., Day, N. (1992). **Political Participation and Democracy in Britain**. Cambridge. United Kingdom:Cambridge University Press.
6. Row, gene and lynn j. frewer. (2005). **A typology of public engagement mechanisms**". Science, technology and human values, 32, 44-92

